

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی و مقایسه پاس‌های زمانی در شعر نظامی گنجوی
و منوچهری دامغانی

استاد راهنما:

دکتر پرستو کریمی

استاد مشاور:

دکتر اسماعیل صادقی

پژوهشگر:

زهرا دل‌افکار

اسفند ماه ۱۳۹۲



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه خانم زهرا دل افکار جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض با عنوان: بررسی و مقایسه پاس های زمانی در شعر نظامی گنجوی و منوچهری دامغانی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ با حضور هیأت داوران زیر بررسی و با نمره ۱۷/۷۵ مورد تصویب نهایی قرار گرفت.

۱:استاد راهنمای پایان نامه: دکتر پرستو کریمی با مرتبه علمی استادیار امضاء

۲:استاد مشاور پایان نامه:دکتر اسماعیل صادقی با مرتبه علمی استادیار امضاء

۳:استاد داور پایان نامه: دکتر سید کاظم موسوی با مرتبه علمی دانشیار امضاء

۴: استاد داور پایان نامه: دکتر جهانگیر صفری با مرتبه علمی دانشیار امضاء

دکتر جهانگیر صفری

معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کلیه‌ی حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه شهرکرد است.

سپاس گزاری:

سپاس و تائید مرخصی را بعل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تلبان است و انوار حکمت او در دل شب تار، در نشان. آفریدگاری که خویش را به ما شناساند و در پای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت یازداید.

از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تا همین می کند و سلامت امانت بانی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه از استاد با کالات و شایسته؛ سرکار خانم دکتر پرستو کریمی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از پنج کلی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت را بهمانی این رساله را بر عهده گرفتند؛ از استاد صبور و باتقوا، جناب آقای دکتر اسماعیل صادقی، که زحمت مشاوره این رساله را متقبل شدند؛ و از استادان فرزانه و دلسوز؛ جناب آقای دکتر موسوی و جناب آقای دکتر صفری که زحمت داوری این رساله را بر عهده گرفتند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم. هم چنین از خانواده و مادر بسیار عزیز، دلسوز و فداکارم که بیوسه جرعه نوش جام تعلیم و تربیت، فضیلت و انسانیت آنها بوده ام و، بهواره چراغ وجودشان روشنگر راه من در سختی ها و مشکلات بوده است صمیمانه سپاسگزارم.

تقدیم ہے:

روح پاک پدرم،

کہ ایسا کی راہ میں آموخت

و مادرم،

دیباہی بی کران خداکاری و عشق، کہ وجودم برایش ہمہ نچ بود و وجودش بر ایم ہمہ مہر

و خواہرم،

کہ وجودش شادی بخش و صفایش مایہ آراش من است.

چکیده :

یکی از اصلی‌ترین هنر شاعران تصویرآفرینی در شعر است که از قوه تخیل آنان نشأت می‌گیرد. از میان تصویرسازی‌های مختلف از طبیعت، پاس‌های زمانی در اشعار شاعران، تصاویر و توصیفات زیادی را به خود اختصاص داده است. نظامی و منوچهری از آن گروه شاعران‌اند که تصاویر و توصیفات روز، شب، آسمان، ماه و ستارگان، طلوع و غروب خورشید در اشعار آنان جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین در این پایان‌نامه کوشش شده است تا ظرایف خیال این دو شاعر در این خصوص با تکیه بر علم بیان و استناد به شعر آنان، تعبیر، تفسیر و مقایسه شود. نتایج به دست آمده از پژوهش بیانگر این است که تصاویر مربوط به شب در شعر منوچهری بالاترین بسامد را دارد و در مقابل در شعر نظامی طلوع خورشید و دمیدن صبح بیش‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. از میان صورخیال تشبیه اصلی‌ترین عنصر خیال در تصاویر منوچهری به شمار می‌رود و استعاره (مصرّحه و مکنیه) نیز اساس شیوه نظامی در تصویرآفرینی است. عنصر رنگ و صبغه اشرافی در تصاویر هر دو شاعر مورد توجه است.

کلیدواژه: نظامی، منوچهری، صورخیال، پاس‌های زمانی، مقایسه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول : کلیات	
۴	۱-۱- مقدمه
۵	۲-۱- اهداف اصلی طرح
۵	۳-۱- ارائه فرضیات
۶	۴-۱- پیشینه تحقیق
۶	۵-۱- روش کار
فصل دوم : تصاویر شعر فارسی در دو سبک خراسانی و آذربایجانی	
۷	۱-۲- تصاویر شعر فارسی در سبک خراسانی
۹	۲-۲- درباره منوچهری
۱۱	۳-۲- تصاویر شعر فارسی در سبک آذربایجانی
۱۲	۴-۲- درباره نظامی گنجوی
۱۵	۵-۲- اشاره‌ای به تعاریف صور خیال
۱۷	۶-۲- اشاره‌ای به مفاهیم نجومی
فصل سوم : تصاویر پاس های زمانی در دیوان منوچهری و خمسه نظامی	
۲۱	۱-۳- صور خیال پاس های زمانی در دیوان منوچهری
۲۱	۱-۱-۳- شب
۲۵	۲-۱-۳- ستارگان
۳۰	۳-۱-۳- ماه
۳۲	۴-۱-۳- صبح و طلوع
۳۴	۲-۳- صور خیال پاس های زمانی در مخزن الاسرار
۳۴	۱-۲-۳- شب
۳۸	۲-۲-۳- صبح
۴۲	۳-۲-۳- طلوع
۴۲	۴-۲-۳- غروب
۴۳	۴-۲-۳- روز
۴۴	۵-۲-۳- روز و شب
۴۷	۳-۳- صور خیال پاس های زمانی در خسرو و شیرین
۴۷	۱-۳-۳- شب

۵۳ ماه - ۲-۳-۳
۵۴ ستارگان - ۳-۳-۳
۵۷ صبح - ۴-۳-۳
۵۹ طلوع - ۵-۳-۳
۶۳ غروب - ۶-۳-۳
۶۴ روز - ۷-۳-۳
۶۴ روز و شب - ۸-۳-۳
۶۶ ۴-۳- صور خیال پاس های زمانی در لیلی و مجنون
۶۶ شب - ۱-۴-۳
۷۰ ماه - ۲-۴-۳
۷۱ ستارگان - ۳-۴-۳
۷۷ صبح - ۴-۴-۳
۷۹ طلوع و غروب - ۵-۴-۳
۸۲ روز - ۶-۴-۳
۸۳ روز و شب - ۷-۴-۳
۸۴ ۵-۳- صور خیال پاس های زمانی در شرفنامه
۸۴ شب - ۱-۵-۳
۹۱ ماه - ۲-۵-۳
۹۲ صبح - ۳-۵-۳
۹۶ طلوع - ۴-۵-۳
۹۹ غروب - ۵-۵-۳
۱۰۰ روز - ۶-۵-۳
۱۰۰ روز و شب - ۷-۵-۳
۱۰۲ ۶-۳- صور خیال پاس های زمانی در اقبال نامه
۱۰۲ شب - ۱-۶-۳
۱۰۶ صبح - ۲-۶-۳
۱۰۸ طلوع و غروب - ۳-۶-۳
۱۱۰ ۷-۳- صور خیال پاس های زمانی در هفت پیکر
۱۱۰ شب - ۱-۷-۳
۱۱۴ صبح - ۲-۷-۳
۱۱۶ طلوع و غروب - ۳-۷-۳
۱۱۷ روز و شب - ۳-۷-۳

- ۸-۳- هماهنگی و تناسب تصاویر پاس های زمانی با موضوع و محتوا در خمسه نظامی ۱۲۰
- ۱-۸-۳- مخزن الاسرار ۱۲۰
- ۲-۸-۳- اسکندرنامه ۱۲۲
- ۳-۸-۳- خسرو شیرین ۱۲۷
- ۴-۸-۳- لیلی و مجنون ۱۳۰
- ۵-۸-۳- هفت پیکر ۱۳۱
- ۶-۸-۳- کاربرد رنگها در تصاویر پاس های زمانی ۱۳۳

فصل چهارم: مقایسه تصاویر پاس های زمانی در خمسه نظامی و دیوان منوچهری

- ۱-۴- تمایزات ۱۳۴
- ۲-۴- شباهتها ۱۳۷
- نتیجه گیری ۱۴۰
- فهرست منابع ۱۴۲

فصل اول

۱-۱- مقدمه

یکی از مضامین اصلی شعر و ادب فارسی توصیف طبیعت است. عشق به طبیعت همواره شاعران زبان و ادب فارسی را بر آن داشته است تا در آثار خود به توصیف جلوه‌های آن بپردازند و زیبایی‌های آن را بستایند. در این رهگذر شاعران با به کارگیری تخیل خویش که جوهره اصلی شعر است تابلوها و تصاویر زیبایی از هر یک از پدیده‌های طبیعی آفریده‌اند. از میان توصیفات متنوع و رنگارنگ از طبیعت پاس‌های زمانی و پدیده‌های مربوط به آن از قبیل شب، صبح، آسمان، ستارگان، طلوع و غروب خورشید از موضوعاتی است که ذوق و تخیل بسیاری از شعرای ادب فارسی را برانگیخته است و هر کدام تصاویری بدیع و بکر پیرامون آنها آفریده‌اند. پاس «یک حصه از هشت حصه شبانه‌روز را گویند چه شبانه‌روزی را به هشت حصه تقسیم کرده‌اند و هر حصه را پاس نامیده‌اند.» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۶۵۶)

در تعریف زمان نیز ارسطو می‌گوید: «زمان مقدار حرکت فلک و افلاک است.» (همان: ۱۱۳۶۹) فلاسفه و متکلمان نظریات مختلفی در باب زمان ارائه داده‌اند که مهم‌ترین آنان به قرار زیر است: «الف) بعضی گفته‌اند زمان امری است موهوم یعنی موجود به وجود وهمی است. ب) بعضی دیگر از فلاسفه به طور مطلق منکر وجود زمان شده‌اند. ج) عده دیگر گویند زمان عبارت از فلک‌الافلاک است. د) بعضی گفته‌اند زمان عبارت از حرکت است. ز) بعضی گفته‌اند زمان امری است مادی و موجود در ماده، بواسطه حرکت و از لحاظ وجودی ضعیف‌تر از حرکت است.» (همان: ۱۱۳۷۰)

خداوند در قرآن کریم بارها به پاس‌های زمانی سوگند خورده است: «وَالصَّحِّحُ إِذَا أَسْفَرَ» (سوگند به صبح آنگاه که آشکار می‌شود). (مدثر / ۳۴)؛ «وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى» (قسم به روز آنگاه که روشن شود). (لیل / ۲)؛ «فَلِاقْسِمِ بِالشَّفَقِ» (قسم به روشنی اول غروب). (انشقاق / ۱۶) که خود دلالت بر شکوه و عظمت این پدیده‌ها دارد.

نظامی و منوچهری در شمار آن گروه از شاعرانند که زیباترین و متنوع‌ترین تصویرها را از هر یک از جلوه‌های زمانی در شعر خویش به نمایش گذاشته‌اند. «هر گوینده و نویسنده‌ای برای ادراک آثار و پدیده‌های هستی و نگرش به آنها و بیان افکار از طریق انتخاب واژه‌ها و طرز تعبیر دریافت‌های خود، شیوه و روش خاصی دارد که سبب تمایز اثر او از آثار دیگران است.» (امامی افشار، ۱۳۸۳: ۲۷) توصیفات نظامی در بالاترین حد از تنوع و تازگی است که دال بر خلاقیت ذهن اوست و توانایی او را در تصویرسازی نشان می‌دهد. اساس شیوه او

در خلق تصویر استعاره است. حال آنکه در تصاویر منوچهری تشبیه اصلی‌ترین عنصر خیال به شمار می‌رود. شعر سبک خراسانی «شعری است آفاقی برون‌گرا، یعنی دید شاعر بیشتر در سطح اشیاء جریان دارد و در ورای پرده طبیعت و عناصر مادی هستی، چیزی نفسانی و عاطفی کمتر می‌جوید بلکه مانند نقاشی دقیق که بیش‌ترین کوشش او صرف ترسیم دقیق موضوع نقاشی خود شود شاعر نیز در این دوره همت خود را مصروف همین نسخه‌برداری از طبیعت و عناصر دنیای بیرون می‌کند و کمتر می‌توان حالت عاطفی یا تأملی ذهنی را در ورای توصیف‌های گویندگان این عصر جستجو کرد.» (شفیعی، ۱۳۸۳: ۳۱۷) تصاویر شعری منوچهری نیز از مقوله وصف به خاطر وصف به شمار می‌رود و شاعر ورای ظاهر به چیزی نمی‌اندیشد. اما نظامی غالباً می‌کوشد تصاویر شعری خود را در خدمت بیان اندیشه و حالت عاطفی موضوع قرار دهد.

به طور کلی تصاویر شعری هر شاعر صرف نظر از سنت‌های شعری و تصاویر کلیشه‌ای و تقلیدی، مختص خود اوست و نماینده تجربیات، نگرشها، آموخته‌ها و محیط سیاسی-اجتماعی شاعر است. بنابراین برآن شدیم تا تصاویر شعری شاعر استاد وصف، منوچهری دامغانی و نظامی گنجوی را که هر دو از سرآمدان شعر وصفی‌اند در خصوص جلوه‌ها و پدیده‌های زمانی بررسی و مقایسه کنیم.

به همین منظور این پایان‌نامه در چهار فصل ارائه شده است که فصل اول به کلیات و مقدمه بحث تعلق دارد. در فصل دوم تصاویر شعر فارسی را در دو سبک خراسانی و آذربایجانی بررسی کردیم. همچنین مروری کوتاه بر صور خیال داشتیم و به معرفی اجمالی این دو شاعر گرانقدر پرداختیم. سپس گفتاری را هم به بیان اصطلاحات و مفاهیم نجومی به کار رفته در وصف شب دو شاعر اختصاص دادیم. فصل سوم که مهم‌ترین بخش کار است صور خیال پاس‌های زمانی و پدیده‌های مرتبط با آن را در دیوان منوچهری و خمسه نظامی تحلیل و بررسی کردیم و سپس گفتاری را به تناسب و هماهنگی تصاویر نظامی با موضوع و محتوای سخن اختصاص دادیم. در فصل چهارم تصاویر دو شاعر را مورد مقایسه و تحلیل قرار دادیم و نقاط اشتراک و تمایز آنها را بیان کردیم که امید است مقبول افتد.

۱-۲-اهداف اصلی طرح

۱. بررسی و تحلیل توصیف زمان در شعر دو شاعر از دیدگاه زیبایی‌شناسانه.
۲. مقایسه و تبیین نگرش دو شاعر نسبت به تصاویر زمانی.
۳. تبیین تنوع و گوناگونی یا تشابه صناعت‌های بیانی مربوط به زمان در شعر دو شاعر.

۱-۳-ارائه فرضیات

- ۱- هر دو شاعر در توصیف طبیعت جزئی نگردند.
- ۲- در توصیف زمان، هر دو شاعر از تشبیهات مادی و محسوس بیشتر بهره برده‌اند.
- ۳- شکل هندسی در تصویرسازی‌های منوچهری بیش از نظامی نمود دارد.

۴-۱- پیشینه تحقیق و بررسی منابع

در مورد توصیف زمان پژوهشی با عنوان بررسی مقایسه‌ای توصیف صبح در بخش پهلوانی شاهنامه فردوسی و ده قصیده از قصاید خاقانی از خانم بهجت حسنی در دانشگاه پیام نور تهران را می‌توان نام برد که تنها به توصیف صبح پرداخته است. پژوهشی دیگر با عنوان توصیف طبیعت در دیوان منوچهری و صنوبری از خانم سمیه جمزاده در دانشگاه ایلام انجام شده است که به طور کلی به وصف طبیعت پرداخته است. هم‌چنین مقاله‌ای با عنوان تصویر زمان در شعر معاصر از کاووس حسنی به بررسی تصویرسازی‌های هنری از زمان در شعر شاعران معاصر از جمله نیما، شاملو، نادرپور، سپهری و فروغ پرداخته است اما تاکنون پژوهشی به طور مستقل و خاص در مورد توصیف زمان در شعر نظامی و منوچهری صورت نگرفته است. سعی پژوهشگر بر آن است که به این مهم دست یابد.

۶-۱- مواد و روش اجرا

روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. ابتدا منابع مورد نظر در مورد این موضوع جمع‌آوری می‌شود. بعد از فیش‌برداری از منابع و تحلیل یافته‌ها کار تدوین و تایپ پایان‌نامه صورت خواهد گرفت.

فصل دوم

تصاویر شعر فارسی در دو سبک خراسانی و آذربایجانی

۲-۱- تصاویر شعر فارسی در سبک خراسانی

همان گونه که در کتاب‌های سبک‌شناسی آمده است سبک شعر فارسی دری را از آغاز نیمه دوم قرن سوم تا پایان قرن پنجم سبک خراسانی یا ترکستانی می‌نامند. دلیل نام‌گذاری آن به خراسانی این است که بیشتر شاعران این دوره در محدوده جغرافیایی خراسان قدیم زندگی می‌کردند. به لحاظ تاریخی سلسله‌های طاهری، صفاری، سامانی و غزنوی و قسمتی از سلجوقیان را که در دهه سوم قرن پنجم تسلط می‌یابند در بر می‌گیرد. به طور کلی شعر این دوره به دلیل رفاه سیاسی و اقتصادی سامانیان و غزنویان شعری شاد، آفاقی و برون-گراست. در حقیقت شعر این دوره اوضاع دربارها و محیط‌های اشرافی، محیط زندگی شاعران، تفریحات و گردش و بزم را منعکس می‌کند. از نظر تصاویر شعری به ویژه وصف طبیعت می‌توان گفت از سرشارترین دوره‌های شعر فارسی است.

از جزئیات طبیعت از قبیل انواع گلها، پرنده‌ها و باغ، روز و شب و ستارگان، برف، اسب و ... توصیفات دقیق و جزئی شده است. «از یک طرف شاعر می‌کوشد تا به وصف چیزهای مختلف، مناظر طبیعی، باغ و بوستان، میوه‌ها و گل‌ها، شمع، شمشیر، اسب و مانند آن بپردازد و از سوی دیگر برای عرض هنر سعی می‌کند تا وصف‌های بسیار متعدد و مختلف از یک چیز به دست دهد مثلاً شب و روز یا گل نرگس را به شکل‌های گوناگون و با عبارات و مضامین متنوع توصیف کند.» (شفیعی، ۱۳۸۳: ۴۸۲) شیوه شاعران در این زمینه بیشتر تشبیه به ویژه تشبیه مرکب و تفصیلی است. «تشبیهات غالباً محسوس به محسوس‌اند (هم مفرد و هم مرکب) اما تشبیه محسوس به معقول هم دیده می‌شود که نوعی نوآوری است. اما تشبیه معقول به معقول نادر است. تشبیهات گاهی مأخوذ از ادب عربند.» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۳۹) در اواخر این دوره با کوتاه شدن تصاویر استعاره رو به گسترش است.

با توجه به دقیق و جزئی بودن تصاویر عنصر رنگ و شکل هندسی اشیاء بیشتر در شعر دیده می‌شود که در بسیاری موارد عنصر رنگ غلبه دارد. دکتر شفیعی در این باره می‌نویسد: «ارائه رنگ و توجه به آن در تصویرهای شعری سراینندگان این دوره بیشتر از آن جهت است که تصویرها گسترده، باز و تفصیلی است نه به

گونه استعاره‌های کوتاه شده و خلاصه که در دوره بعد رایج می‌شود و جای تشبیهات تفصیلی و دقیق را می‌گیرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۷۸)

از شاعران برجسته و ممتاز این دوره رودکی، فرخی، منوچهری و عنصری را می‌توان نام برد. در این میان منوچهری به عنوان یکی از بهترین نمایندگان این دوره در حوزه وصف طبیعت مورد بحث ماست.

استاد وصف، « ابونجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی از جمله شاعران طراز اول ایران در نیمه اول قرن پنجم هجری است. ولادتش در اواخر قرن چهارم یا نخستین سال‌های قرن پنجم و وفاتش در جوانی به سال ۴۳۲ هجری اتفاق افتاد. علت اشتهارش به منوچهری انتساب اوست به منوچهر بن شمس المعالی قابوس زیاری امیر گرگان و طبرستان که شاعر اوایل دوران سخنوری را در خدمت او گذرانید. » (صفا، ۱۳۷۴: ۱۳۲) دوران کودکی وی در بیابان‌های فراخ و بیکران دامغان گذشت. در دوره جوانی به ری، گرگان و طبرستان سفر کرد و اواخر عمر کوتاه وی در دربار غزنه سپری شد. آن‌گونه که از اشعار او برمی‌آید اطلاعاتی از علوم مختلف از جمله نجوم، طب، دین و همچنین اطلاعات جامع و کاملی از ادبیات عرب داشته و بسیاری از اشعار شعرای بزرگ عرب را حفظ بوده است. در حقیقت « او نخستین کسی است که محفوظات ادبی را در اشعار خود راه داده و علاوه بر استقبال از قصائد مشهور تازی، اشارات مکرر به اسامی شاعرانی مشهور و آثار معروفشان و تضمین ابیاتی از آنان نموده است. » (همان، ۱۳۳) چنانکه خود نیز به این موضوع اشاره می‌کند:

من بدانم علم دین و علم طب و علم نحو تو ندانی دال و ذال و راء و زاء و سین و شین
 من بسی دیوان شعر تازیان دارم زبر تو ندانی خوانده « آلا هتی بصحنک فاصبحین »

(منوچهری، ۱۳۸۴: ۹۱)

در شعر منوچهری طبیعت حضوری زنده و فعال دارد و همه چیز جاندار و پویاست. « به هر چه توجه می‌کند و هر چه که در این دستگاه دلپذیر مشاهده می‌نماید از زیبایی و رنگ و تناسب برخوردار است و در او این نیرو هست که آنچه می‌بیند توصیف کند و مانند پرده حساس نقاشی در برابر دیدگان دیگران که آن مناظر را ندیده‌اند قرار دهد و آن نقش بی‌جان را پیش آنان جاندار و زنده و جنبنده نشان دهد. » (صورتگر، ۱۳۴۷: ۳۱) دقت در اشعار او این نکته را به ما می‌نماید که از یک سو شاعر به وصف چیزهای مختلف از جمله باغ، بوستان، بیابان، شب و ستارگان، طلوع و غروب و... می‌پردازد و از سویی یک پدیده را از زوایای مختلف به تصویر می‌کشد به عبارت دیگر وصف‌های متعدد و متنوع از یک چیز به دست می‌دهد. به طور کلی توصیفات منوچهری از طبیعت از مقوله وصف به خاطر وصف به شمار می‌رود و در ورای این تصاویر هیچ‌گونه زمینه عاطفی یا امری معنوی را جستجو نمی‌کند. دکتر شفیعی در این باره می‌نویسد: « تصویر در شعر منوچهری ارزش اصلی دارد و جنبه القایی ندارد یعنی شاعر تصویر را فقط به عنوان اینکه تصویری در شعر آورده باشد می‌آورد نه اینکه تصویر را وسیله انتقال اندیشه یا عاطفه‌ای کرده باشد و از این بابت بی‌شبهت به شاعران ایماژیست که می‌گویند تصویر باید ارزش مستقل داشته باشد و به دقت ترسیم کند بی‌آنکه رمز یا نکته ورای آن نهفته باشد نیست. » (شفیعی، ۱۳۸۳: ۱۷۸) به همین خاطر شعر او از نظر محور افقی خیال غنی و نیرومند است و اکثر تصاویر او آفاقی و برون‌گرا هستند. طبیعت را چنانکه هست در زبان منعکس می‌کند بدون اینکه به جنبه القایی آن بیندیشد. امامی افشار دلیل این موضوع را در شعر منوچهری و معاصرانش، سادگی افکار و محدودیت موضوعات و نوپایی صور خیال در شعر فارسی آن روز می‌داند. هم‌چنین زندگی در محیط اشرافی دربار و ستایش ممدوحان و جوانی و اندک سالی شاعر را از دلایل دیگر این امر برمی‌شمارد.

در شعر منوچهری از میان انواع صور خیال تشبیه اصلی‌ترین عنصر خیال به شمار می‌رود چرا که از حرکت و حیات بیشتری برخوردار است. از میان انواع تشبیه از تشبیه مرکب فراوان استفاده می‌کند. « ساختار معمول تشبیه مرکب یعنی آفرینش تصویر (تصاویر) در تک بیت رویکرد عادی و هنرمندانه منوچهری در تشبیه مرکب است. در این‌گونه از تشبیه، گاه دو مصرع به شکلی فشرده دو تصویر حاصل از تشبیه مرکب را در خود جای داده‌اند.» (حکیم آذر، ۱۳۹۰: ۴۵)

اغلب تشبیهات او مادی و حسی است و تشبیهات عقلی و انتزاعی در تصاویر او بسیار اندک است. از دیگر صور خیال او در توصیف طبیعت، جان بخشیدن به مظاهر بی‌جان طبیعت یعنی استفاده از استعاره مکنیه (تشخیص) است. در حقیقت او به بسیاری از عناصر و مظاهر بی‌جان در شعر خود شخصیت بخشیده و آنها را مانند انسانی انگاشته است که جان دارد و سخن می‌گوید گاه شاعر آنها را مخاطب خویش ساخته و با آنها به گفتگو می‌نشیند. تشخیص در میان تصاویر او زنده‌ترین و پرحرکت‌ترین شکل است. « رابطه تجربی و صمیمانه منوچهری با طبیعت هنگامی که بسط بیشتری پیدا می‌کند چتر توصیف را نیز در شعر او بیشتر می‌گستراند و گاه شامل اموری می‌شود که پیش از وی کمتر مورد توجه شاعران قرار داشته است.» (امامی، ۱۳۶۷: ۳۰)

توصیفات بی‌نظیر و بدیع او از طلوع و غروب و شب و ستاره از این مقوله است. تصویرهایی متفاوت از آنچه دیگران پرداخته‌اند که بسیاری از این تصاویر محصول تجربه‌های عینی و ابتکارات ذهنی خود اوست. البته تأثیرپذیری او از ادبیات عرب در این زمینه انکارناپذیر است. نمونه بارز تصویرهای تلفیقی و برگرفته از تجربه‌های او در توصیف بیابان و شب و ستاره را در جای جای دیوان او می‌بینیم. مورد قوی آن را در دو قصیده برجسته او با مطلع: « الا یا خیمگی خیمه فرو هل / که پیشاهنگ بیرون شد ز منزل » و « شبی گیسو فرو هشته به دامن پلاسن معجر و قیرینه گرزن » می‌توانیم ببینیم. (منوچهری، ۱۳۸۴: ۸۶ و ۶۵)

همان‌گونه که خواهیم دید در توصیف شب از نام ستارگان، صور فلکی و حالت قرار گرفتن آنها و همچنین هلال ماه بسیار بهره گرفته است. گویی « زمانی که آسمان چهره حقیقی خویش را جلوه‌گر می‌سازد و ستارگان و صور فلکی آن چشم هر بیننده‌ای را می‌نوازد، بهترین بهانه را برای شاعر استاد وصف مهیا می‌کند تا زیبایی‌های آن را بستاید و از این رهگذر تظاهرات علمی خویش را در برابر حاسدان به نمایش بگذارد.» (سلیمانیان، ۱۳۸۳: ۲۱۳) پس گزافه نیست که به او لقب شاعر شب را داده‌اند.

در ادامه به صور خیال روز و شب به عنوان پاس‌های زمانی در دیوان او و پدیده‌های مرتبط با آنها مانند طلوع و غروب و ستارگان و صور فلکی خواهیم پرداخت.

۲-۳- تصاویر شعر فارسی در سبک آذربایجانی

سبک آذربایجانی (ازانی) «سبک شاعران حوزه شمال غربی ایران یعنی منطقه اران و آذربایجان است.» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۴۲) که از لحاظ تاریخی سلسله سلجوقیان را در بر می‌گیرد. سبکی است بین سبک خراسانی و عراقی که بعدها شکل می‌گیرد. از لحاظ فکری و مختصات ادبی به سبک عراقی نزدیک‌تر است. رئیس این حوزه ادبی ابوالعلاء گنجوی_ استاد خاقانی و فلکی شروانی_ بود. «از نظر فکری فاضل‌نمایی و اشاره به علوم مختلف، تلمیحات گوناگون، اشاره به فولکلور و عقاید عامیانه از جمله طب، نجوم و جانورشناسی عامیانه مطرح است. لحن حماسی در شعر این دوره تبدیل به مفاخره شده است. هم چنین نوعی عرفان نزدیک به شرع از نوع عرفان سنایی در اشعار این مکتب مشاهده می‌شود.» (همان، ۱۴۳)

به لحاظ ادبی شعر این دوره به سبب استفاده فراوان از علوم و فنون مختلف از قبیل طب و نجوم و ... آیات و احادیث، تلمیحات، مطرح کردن مسائل کلامی و فلسفی و حکمی، اصطلاحات مربوط به بازیها از قبیل نرد و شطرنج در تصاویر تا حد زیادی باعث پیچیدگی و دشواری تصاویر شعری شده است. شاعران این سبک شاخه‌های مختلف علوم و هم‌چنین فولکلور و عقاید عامیانه را وسیله‌ای مناسب برای خلق مفاهیم شعری می‌دانسته‌اند و با ظرافت تخیل و وسعت مفاهیم علمی مضامین و تصاویر زیبایی پدید آورده‌اند. توصیف و تصویرگری یکی از ویژگی‌های برجسته این سبک است. از این میان وصف طبیعت نیز در شعر آنان جایگاهی ویژه دارد. «برای آنان طبیعت دقیقاً مثل یک الگوی نقاشی به شمار می‌رفته است و خورشید درخشان و دمیدن صبح، ستارگان پرفروغ در دل شب تیره، درختان و گلها و پرندگان و چهره‌های انسانها، آتش و می در شعر آنان با جلوه‌های دل‌انگیزی توصیف شده‌اند.» (بامدادی، ۱۳۸۲: ۹۲) شیوه شاعران در تصویرآفرینی نیز استفاده از انواع تشبیه، استعاره، استخدام و کنایه است.

شاعران معروف این سبک عبارتند از: مجیرالدین بیلقانی، فلکی شروانی، خاقانی و نظامی. نظامی و خاقانی را می‌توان دو قطب مهم این دوره به شمار آورد. «نظامی و خاقانی هر دو در اشعار خود دارای افکار بسیار دقیق و باریک و اصرار فراوان به آوردن مضامین جدید و معانی نو و ترکیبات بدیع بی‌سابقه و ایراد لغات و ترکیبات عربی بسیار هستند و این عوامل باعث شده است که اشعار این دو استاد بزرگ بدون دقت دریافت نشود.» (صفا، ۱۳۷۴: ۲۰۷). از میان این شاعران؛ خمسه شاعر داستان سرای آذربایجان، نظامی گنجوی مورد بحث ماست.

۲-۴- درباره نظامی گنجه‌ای

شاعر داستان سرا «حکیم جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌یی (گنجوی) از استادان بزرگ سخن و از ارکان شعر فارسی است. مولد او را همه تذکره نویسان گنجه دانسته‌اند و او که خود نیز در اشعارش نسبت خود را به گنجه تصریح کرده است، همه عمر را در آن گذرانید و تنها یک بار سفر کوتاهی به دعوت قزل ارسلان به یکی از بلاد نزدیک گنجه کرد و در مجلس آن پادشاه با نهایت اعزاز و اکرام پذیرفته شد، تاریخ ولادت او معلوم نیست لیکن با دقت در بعضی از اشعار او می‌توان آن را نزدیک به سال ۵۳۰ هجری دانست، تاریخ وفات او هم به درستی معلوم نیست و بنا بر بعضی قرائن وی تا چند سال اول قرن هفتم در قید حیات بود.» (صفا، ۱۳۷۴: ۳۱۵) آن گونه که از اشعار او برمی‌آید در خانواده‌ای ممتاز پرورش یافته است و از همه معارف زمان خود چون طب، حکمت، موسیقی و نجوم آگاه بوده و بخش عمده‌ای از سال‌های عمرش را در صحبت استادان عصر به سر برده است. پر ارزش‌ترین حاصل عمر او خمسه یا پنج گنج است که خود در آخرین منظومه‌اش از آنها چنین یاد می‌کند:

سوی مخزن آوردم اول بسیج	که سستی نکردم در آن کار هیچ
وزو چرب و شیرینی انگیختم	به شیرین و خسرو در آمیختم
وز آنجا سراپرده بیرون زدم	در عشق لیلی و مجنون زدم
وزین قصه چون باز پرداختم	سوی هفت پیکر فرس تاختم
کنون بر بساط سخن گستری	زنم کوس اقبال اسکندری

شرفنامه / ۷۸

- ۱- مخزن الاسرار: در بحر سریع (مفتعلن مفتعلن فاعلان) سروده شده و شامل ۲۲۶۰ بیت است. این مثنوی در سال ۵۷۲ به نام ملک فخرالدین بهرامشاه پادشاه ارزنجان به نظم درآمده است. موضوع آن زهد و عرفان و حکمت و مشتمل بر ۲۰ مقاله است که در هر مقاله حکایتی متناسب با آن مقاله ذکر شده است.
- ۲- خسرو و شیرین: در بحر هزج (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) سروده شده و شامل ۶۵۰۰ بیت است. داستان عشق خسرو پرویز پادشاه ساسانی به شیرین شاهزاده ارمنی است. این منظومه نیز در سال ۵۷۶ سروده شده و به نام طغرل بن ارسلان سلجوقی است
- ۳- لیلی و مجنون: نیز منظومه‌ای غنایی است در بحر هزج (مفعول مفاعیلن فعولن) که در سال ۵۸۴ به درخواست شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر سروده شده و شامل ۴۵۰۰ بیت است. ماجرای عشق پر سوز و گداز مجنون و لیلی است که عاقبت جان بر سر عشق خود می‌نهند.
- ۴- هفت پیکر: آن را هفت گنبد یا بهرام نامه نیز می‌گویند. شامل ۵۰۰۰ بیت در بحر خفیف (فاعلاتن مفاعیلن فاعلان / فعل) در سال ۵۹۳ به نام سلطان علاءالدین کرپ ارسلان آقسنقری حاکم مراغه سروده شده است. داستان بهرام گور (بهرام پنجم ساسانی) است با هفت دختر از پادشاهان هفت

اقلیم. بهرام پس از ساختن هفت گنبد به هفت رنگ با هفت دختر ازدواج می‌کند و در هر یک از روزهای هفته به مهمانی یکی از آنها می‌رود و داستانی از هر کدام می‌شنود.

۵- اسکندرنامه: شامل ۱۰۵۰۰ بیت و در دو بخش به نام‌های شرفنامه و اقبال نامه در بحر متقارب (فعولن فعولن فعولن فعول) به نظم درآمده است. در بردارنده ماجراهای اسکندر و لشکرکشی‌ها و جهانگشایی‌های اوست. «شرفنامه که نیمه نخست اثر محسوبست اسکندر را در نقش فرمانروایی تصویر می‌کند و اقبال‌نامه که نیمه دوم به شمار می‌آید و آن را که گاه خردنامه هم می‌خوانند بیشتر سیمای یک فیلسوف فرمانروا و یک پیامبر دعوتگر را رقم می‌زند.» (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۱۷۰) این منظومه نیز به نام نصره‌الدین محمد ایلدگز است. این منظومه را به پیروی از فردوسی نوشته است اگرچه با همه مهارت و چیره‌دستی نتوانسته با آن برابری کند.

غیر از پنج گنج دیوانی نیز داشته که شامل قصاید و غزلیات است و حدود ۱۹۰۰ بیت است.

به لحاظ ادبی شعر نظامی به عنوان نمونه عالی سبک آذربایجانی شعری تصویری است. حمیدیان در کتاب آرمان شهر زیبایی شاعران را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱- شاعران روساخت‌گرا (یا بیان‌گرا) ۲- شاعران ژرف ساخت‌گرا (یا مفهوم‌گرا). او در مورد شاعران گروه اول می‌نویسد: «بیشتر شاعران به اقتضای ماهیت و هدف و وظیفه خاص شعر به این اصل مهم هنری وفادار مانده‌اند که بیان هنری الزاماً متوجه عناصر ظاهری شعر یا به اصطلاح زمان، عناصر روساختی است. شاعرانی چون رودکی، فردوسی، منوچهری، فرخی سیستانی، نظامی و... از این زمره اند.» (حمیدیان، ۱۳۷۳: ۳) به همین جهت تصویرآفرینی و آرایش کلام در شعر آنان از جمله نظامی اهمیت زیادی دارد.

نظامی در تصویرآفرینی از صور بیانی بیش از همه به استعاره توجه دارد و به همین خاطر او را استاد بی‌بدیل استعاره خوانده‌اند. «نظامی، خاقانی و دیگر شاعران استعاره‌پرداز ایرانی به خوبی توانسته‌اند با بهره‌گیری از قدرت استعاره سخنان ساده و گاه مکرر خود را در صورت‌هایی فاخر و جذاب بیان کنند. در این طرز بیان، قدرت و شکوه کلام بیش از هر چیز از استعاره مایه می‌گیرد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۹۵) استفاده گسترده از تشبیه و استعاره به او این امکان را داده است تا از یک چیز تصویرهایی متنوع و زیبا به دست دهد. به همین جهت تصاویر او در بالاترین حد از تنوع و رنگارنگی است. ثروت به نقل از صفا گوید: «نظامی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه، و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند در هر مورد و تصویر جزئیات و نیروی تخیل و دقت در وصف و ایجاد مناظر رائع و ریزه کاری در توصیف طبیعت و اشخاص و احوال و به کار بردن تشبیهات و استعارات مطبوع و نو، در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است.» (ثروت، ۱۳۷۸: ۴۷)

یکی از وسیع‌ترین قلمروهای تصاویر نظامی از مناظر طبیعی توصیفات مربوط به جلوه‌های زمانی از قبیل دمیدن صبح، طلوع و غروب خورشید، شب و آسمان و ستاره است که هر یک در کارگاه خیال وی با تشبیهات و استعارات نغز و دل‌انگیز زینت یافته‌اند.